

Divorce prediction based on individual beliefs of personality, basic needs and traps of life

Faizollah Rahimi Ph.D. student

Psychology, Isfahan Islamic Azad University, Isfahan (Khorasgan) Iran.

Hamid Atashpour. Ph.D.

Academic member. Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Iran.

Mohsen Golparvar. Ph.D.

Academic member Islamic Azad University of Isfahan (Khorasgan), Iran.

Abstract

The purpose of this research was Divorce prediction based on individual beliefs of personality, basic needs and traps of life. In this study, the path-based correlation method was used to explain the chain and multilevel patterns correlations. The statistical population included all couples applying for divorce in the winter of 2018 in Isfahan city. A sample of 329 subjects (178 women and 151 men) were selected by available sampling method. The research instrument were: Personality Belief Questionnaire (Beck, 2015), Adaptive basic needs Inventory (Sahebi, 1390), Life Tra (Young, 1994), Divorce Desire Questionnaire. For analyzing the data, descriptive statistics and regression analysis were analyzed using SPSS software version 22 and a significant level of $P \leq 0.05$ was considered. The results of regression analysis showed that among all the predictive variables used in this study, the individual beliefs of the personality ($\beta = -.199$), the intensity of the need for Fun & enjoyment ($\beta = -.162$), and the Entitlement & Grandiosity of life ($\beta = -.142$) is able to explain 61.5% of the tendency to divorce variance ($p \leq 0.05$). Overall, the results of this study show that in order to manage and control the desire to divorce, divorce prevention process is required to emphasize the role of individual beliefs in Histrionic Personality, the Fun & enjoyment, and the trap of, Entitlement & Grandiosity.

Keywords: personality individual beliefs, needs, traps, divorce

پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، نیازهای اساسی و تله‌های زندگی زوج‌های متقاضی طلاق

فیض‌اله رحیمی

دانشجوی دکتری روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

حمید آتش‌پور*

عضو هیئت‌علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

محسن گل‌پرور

عضو هیئت‌علمی گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

چکیده

هدف پژوهش، پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، نیازهای اساسی و تله‌های زندگی است. برای تبیین الگوی همبستگی زنجیره‌ای و چندسطحی بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک (تمایل به طلاق) از روش تحلیل مسیر استفاده شد. جامعه آماری شامل تمام زوج‌های متقاضی طلاق در سال ۱۳۹۶ شهر اصفهان بود. روش نمونه‌گیری به صورت در دسترس تعداد ۳۲۹ نفر (۱۷۸ زن و ۱۵۱ مرد) انتخاب شدند. ابزار پژوهش، باورهای فردی شخصیت (بک، ۲۰۱۵)، نیازهای اساسی گلاسر (صاحبی، ۱۳۹۰)، تله‌های زندگی (یانگ، ۱۹۹۴) و پرسشنامه محقق ساخته تمایل به طلاق بود که توسط متقاضیان طلاق تکمیل شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که از بین همه ۳۹ متغیر پیش‌بین مورد استفاده در پژوهش حاضر، باورهای فردی شخصیت ($\beta = -.199$)، شدت نیاز به لذت و تفریح ($\beta = -.162$) و طرح‌واره‌های استحقاق و بزرگ‌منشی ($\beta = -.142$) قادر به تبیین ۶۱/۵ درصد از واریانس تمایل به طلاق است ($p \leq 0.05$). در مجموع نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که برای مدیریت و کنترل تمایل به طلاق لازم است در فرایند پیشگیری از طلاق بر نقش باورهای فردی شخصیت، شدت نیاز به تفریح، تله‌های زندگی و طرح‌واره‌های استحقاق و بزرگ‌منشی تأکید شود.

واژه‌های کلیدی: باورهای فردی شخصیت، شدت نیازها، تله‌های زندگی، طلاق

* نویسنده مسئول: hamidatashpour@gmail.com

پذیرش: ۹۷/۱۲/۱۲

وصول: ۹۷/۱۰/۰۲

مقدمه

مؤلفه‌های روان‌شناختی و باورهای شخصی یا فردی وی باشد. باورهایی که می‌تواند سبب‌ساز تحریف شناختی و ایجادکننده هیجان‌های منفی بین زوجها شود (آسمند، امامی، ولیزاده، ۱۳۹۵). باورهای شخصی^۵ (فردی) شخصیت می‌تواند نوع نگاه انسان‌ها و تعاملات آن‌ها را با دیگران تعیین کند. اینکه یک موقعیت چگونه ارزیابی می‌شود، حداقل تا حدودی به باورهای بنیادین افراد ارتباط پیدا می‌کند. بنابراین شیوه‌هایی که زوجها اطلاعات مربوط به خود و دیگران را پردازش می‌کنند تحت تأثیر باورهای آن‌ها و سایر اجزای سازمان شناختی آن‌هاست (بک^۶، ۲۰۱۵). خصوصیات شخصی افراد نیز تأثیر مهمی بر روابط زوجها می‌گذارد (فیلسینگر و ویلسون^۷، ۱۹۸۳). برادبری^۸ (۱۹۹۵) معتقد بود یکی از عواملی که باعث به وجود آمدن رضایت زناشویی می‌شود، مشخصات فردی است که به پیشینه خانوادگی، عوامل شخصی و تجربی ثابتی اشاره می‌کند که هر یک از همسران با خود به رابطه می‌آورند (هالفورد^۹، ۱۳۸۷). خصوصیات شخصیتی^{۱۰} بر سازگاری زناشویی زوجها تأثیر دارد (کاستا و مک‌کری^{۱۱}، ۱۹۹۲). لو و کلونن^{۱۲} (۲۰۰۵)، دونلان، کانگر و بیرانت^{۱۳} (۲۰۰۴) و شاکریان (۱۳۹۱) ویژگی‌های شخصی، پیش‌بینی‌کننده تجربه سازگاری زناشویی است. هاسکی، ورزل و زرتاو (۱۹۹۸) معتقدند ابعاد تاریک شخصیت هر فرد از سه بُعد ضداجتماعی، خودشیفته و ماکیاولیانیسم^{۱۴} ساخته شده است که این سه بُعد نقش مستقیمی در نگرش افراد به خیانت زناشویی و جدایی دارند.

شدت نیازهای اساسی از عوامل مهم در پیش‌بینی طلاق زوجها است. نظریه انتخاب مبتنی بر سه اصل عمده استوار است: اصل اول، مشکل عمده زوجها و انسان‌ها مسائل رابطه‌ای است (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۰) این مشکلات می‌تواند باعث روابط نامناسب زوجها شود (راینر^{۱۵}، ۲۰۰۵) اصل دوم، رفتار ما تحت کنترل خود ماست، بنابراین اگر کسی آن‌طور که می‌خواهد نیست، خودش مسئول تغییر آن

طلاق یکی از پدیده‌های شایع جامعه انسانی است و در هیچ عصری، بشر از خطر انحلال کانون خانواده و آثار سوء ناشی از آن مبرا نبوده است. در دانشنامه بین‌المللی (۲۰۱۵) طلاق، انحلال قانونی^۱ پیوند ازدواج تعریف شده است. بر اساس این تعریف، طلاق معمولاً پس از یک دوره اختلال یا بی‌سازمانی در روابط زناشویی واقع می‌شود. آشفتگی روابط با همسر یا شریک زندگی، گسیختگی خانواده بر اثر متارکه یا طلاق، یکی از طبقات پنجمین ویراست راهنمای تشخیص و آماری اختلال‌های روانی را به خود اختصاص داده است. این طبقه را باید در مواردی به کار برد که زوجها به دلیل مشکلات در روابط، جدا از هم زندگی می‌کنند یا در حال متارکه هستند (دی‌اس‌ام - ۵، ۲۰۱۴، ص ۱۱۹۵).

بر اساس آمار در ایالات متحده امریکا حدود نیمی از ازدواج‌ها به طلاق منجر می‌شود و حدود ۵۰ درصد افراد که مجدداً ازدواج کرده‌اند طلاق را برای بار دوم تجربه می‌کنند (میرزازاده، احمدی و فاتحی‌زاده، ۱۳۹۱ ص ۴۴۲). آمارهای رسمی ازدواج و طلاق کشور نشان می‌دهد که ازدواج هر ساله نسبت به سال قبل کاهش و درصد طلاق افزایش یافته است (سایت رسمی اسناد و املاک کشور ۱۳۹۷). طلاق یک فرایند چندبعدی است که شامل مؤلفه‌های روان‌شناختی، اجتماعی و اقتصادی است (مک‌دنیل، کاسگن و کولمن، ۲۰۰۳، به نقل از کاستالدو^۲، ۲۰۰۸).

از عوامل مهم در پیش‌بینی طلاق باورهای فردی شخصیت است. بین سبک یا اسلوب شخصیت و اختلال شخصیت^۳، به عنوان توصیف‌کننده‌های الگوی شخصیتی تفاوت وجود دارد. هر الگوی شخصیتی روی یک پیوستار قرار می‌گیرد که از سالم تا ناسالم امتداد دارد. یعنی سبک شخصیت، بُعد بهنجار و اختلال شخصیت بُعد نابهنجار شخصیت را تشکیل می‌دهد (اسپری^۴، ۲۰۱۵). افراد دارای سبک شخصیتی خاص، مسائل و مشکلات را از زاویه و منافع شخصی خود می‌نگرند و این می‌تواند ناشی از

1. Legal dissolution
3. Personality style & Personality disorder
5. Personality Belief
7. Filsinger, E & Wilson, M
9. Halford, w.kim
11. Costa & McCrae
13. Donnellan, Conger & Bryan
15. Robbins

2. McDaniel, Kusgen, Coleman & castaldo
4. sperry
6. Aaron T.Beck
8. Bradbury
10. Personality Characteristics
12. Luo & Klohnen
14. Psychopath, narcissism & machiavellianism

است (پرکین^۱، ۲۰۱۲) پس همه رفتارهای انسان‌ها انتخاب می‌شوند (ووبل‌دینگ و همکاران^۲، ۲۰۰۴) و اصل سوم و شاید برجسته‌ترین اصل این است که نیروی محرک تمام رفتارهای انسان‌ها پنج نیاز اساسی ژنتیکی است (گلاسر، ۲۰۰۰) گلاسر اعتقاد دارد همه انسان‌ها برای ارضای این پنج نیاز اساسی که شامل عشق و تعلق خاطر، بقا، قدرت، آزادی و تعریف^۳ است و ریشه در ژن‌های انسان‌ها دارد تلاش می‌کند. به اعتقاد گلاسر، اگر افراد متأهل درک کنند که تحت تأثیر پنج نیاز اساسی خود هستند و نظریه انتخاب را در زندگی مشترک به کار گیرند و از ابتدای زندگی مشترکشان برای ارضای این نیازها تلاش کنند، در بهبود روابط زناشویی آن‌ها پیشرفت چشمگیری ایجاد خواهد شد (صاحبی، ۱۳۹۰). گلاسر معتقد است که مشکلات اساسی زوج‌ها، شکست در ارضای نیازهای برنامه‌ریزی‌شده ژنتیکی، فقدان روابط نزدیک و صمیمی و روان‌شناسی کنترل بیرونی^۴ است (گلاسر، ۲۰۰۰). روان‌شناسی کنترل بیرونی با استفاده از هفت رفتار مخرب تشدید می‌شود و در زندگی زناشویی خود را پررنگ‌تر نشان می‌دهد؛ انتقاد، سرزنش کردن، گله و شکایت کردن، غرغر و نق زدن، تهدید، تنبیه و حق حساب دادن انتقاد^۵ (گلاسر و گلاسر، ۲۰۰۰؛ رابینز، ۲۰۰۵). مقاومت و پایداری در استفاده از این هفت رفتار مخرب به قطع رابطه و طلاق در زوج‌ها خواهد انجامید (نلسون^۶، ۲۰۱۲). این هفت رفتار مخرب می‌تواند با هفت رفتار سازنده توجه، اعتماد، احترام، گوش دادن، تشویق، حمایت^۷ و گفت‌وگوی دائم بر سر اختلافات^۸ جایگزین شوند (گلاسر، ۲۰۰۰؛ روبی، بردنسکی، بریتزمن، کرول و کیز^۹، ۲۰۱۴). گاتمن^{۱۰} پژوهش‌های بلندمدت خود را روی بیش از ۳۰۰۰ زوج انجام داد تا تعیین کند که چه مواردی به ازدواج کمک می‌کند و چه مواردی آن را تخریب می‌کند. او بیشتر تمرکز خود را روی الگوهای ارتباطی زهرآگین قرار داد و آن‌ها را "چهار

اسب‌سوار آخرالزمان"^{۱۱} نامید (گاتمن، ۱۹۹۹). گلاسر مشکلات و آسیب‌های زندگی زناشویی را ناشی از این می‌داند که زوج‌ها به خاطر ارضای نیازها و خواسته‌های خود تلاش می‌کنند دیگری را به کنترل درآورند (گیلیام^{۱۲}، ۲۰۰۴). اگر همسران نیازهای خود را مطرح نکنند و به آن‌ها پی نبرند و به راه‌حل مثبتی برای دستیابی به نیازهایشان نرسند، استرس، ناکامی، سرخورده‌گی، خشم و درنهایت جدایی و طلاق پیش می‌آید (جکسون، والدسون و مور، ۱۹۸۰ به نقل از یانگ و لانگ^{۱۳}، ۱۹۹۸). گلاسر در نظریه انتخاب هدف همه رفتارها را ارضای پنج نیاز اساسی می‌داند و انتخاب‌های مؤثر، خودکنترلی، کارآمدی و مسئولیت‌پذیری زوج‌ها را از جمله عواملی می‌داند که در بهبود روابط زوج‌ها تأثیرگذار است (گلاسر، ۲۰۱۲). گلاسر و برکین^{۱۴} (۲۰۰۱) معتقدند که مشکل همه انسان‌ها و نابهنجاری‌های آن‌ها نپذیرفتن مسئولیت است. بیکر، پارکس ساواج و ریفا^{۱۵} (۲۰۱۴) مدیریت انتخاب و مسئولیت‌پذیری را از نشانه‌های بلوغ عاطفی در افراد به شمار می‌آورند. آموزش نظریه انتخاب، تمرکز بر روی نیروهای درونی را افزایش داده و بستر مسئولیت‌پذیری افراد و زوج‌ها را بالا می‌برد (آروین^{۱۶}، ۲۰۱۴). گلاسر یک رابطه سالم را در این می‌داند که زوج‌ها سعی نکنند طرف مقابلشان را تغییر دهند (به نقل از اندرا و گرینوالد^{۱۷}، ۲۰۰۷) روابط خوب، سلامت ما را تغذیه کرده و از آن حمایت می‌کند و روابط زهرآگین می‌تواند ما را مسموم کند (به نقل از کلیفتون^{۱۸}، ۲۰۱۱).

1. Perkins
3. five basic needs, love and belonging, survival, power, freedom & fun
5. Criticizing, blaming, complaining, nagging, threatening, punishing, rewarding to control/bribing
7. Caring, Trusting, Befriending, Listening, encouraging, supporting
9. Robey, Burdenski, Britzman, Crowell & Cisse
11. The Four Horsemen of the Apocalypse
13. Young & Long
15. Baker, Parks-Savage & Rehfuss
17. Onedera & Greenwalt
19. Life Traps, schemas

2. Wubbolding
4. external control psychology
6. Nelson
8. negotiating
10. Gottman
12. Gilliam
14. Breggin
16. Erwin
18. Clifton
20. Cooper

روان‌شناسی معرفی شده‌اند، تشکیل دادند. از میان آن‌ها از طریق نمونه‌گیری در دسترس، ۳۲۹ نفر (۱۵۱ مرد و ۱۷۸ زن) انتخاب شدند. برای تعیین الگوی همبستگی زنجیره‌ای و چند سطحی بین متغیرهای پیش‌بین و متغیر ملاک (تمایل به طلاق) از روش تحلیل مسیر استفاده شد.

ابزار سنجش

پرسشنامه جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه یک پرسشنامه محقق ساخته است که سن، جنس، تحصیلات، میزان درآمد، مدت عقد و ازدواج، ارتباط با پدر و مادر، تعداد فرزندان، ازدواج فامیلی و ترتیب تولد متقاضیان را مورد بررسی قرار داد.

پرسشنامه باور شخصی یا فردی شخصیت^۵: آزمون PBQ-SF مبتنی بر نظریه شناختی شخصیت است. شامل فهرستی از فرض‌های مشروط، باید‌ها، قواعد، نگرش‌ها، استانداردها و باورهای شخصی و فردی است که با سبک‌ها یا اسلوب شخصیت افراد مرتبط است. این آزمون دارای ۷۰ گویه و ده خرده‌مقیاس باور فردی شخصیت اجتنابی، وابسته، منفی‌گرا، وسواسی، ضداجتماعی، خودشیفته، نمایشی، گوشه‌گیر، شکاک و مرزی^۶ است که می‌توان هر مقیاس را جداگانه یا کلی به صورت فردی یا گروهی اجرا کرد. هر خرده‌مقیاس شامل هفت پرسش است. گزینه‌ها از نمره ۰=کاملاً مخالفم تا نمره ۴=کاملاً موافقم درجه‌بندی شده است. در پژوهشی که توسط بک و همکاران صورت گرفت، پایایی کلی پرسشنامه ۹۳ درصد و برای هر خرده‌مقیاس به ترتیب ۸۴، ۸۹، ۸۶، ۹۰، ۸۰، ۸۳، ۸۹، ۷۹، ۹۱ و ۹۰ درصد ذکر شده است (بک و همکاران، ۲۰۱۵). در تحقیق دیگری در کلمبیا^۷ بر روی ۱۴۲۳ نفر در سال ۲۰۱۵ صورت گرفت که پایایی کلی ۹۳ درصد و برای هر خرده‌مقیاس به ترتیب ۶۵، ۷۷، ۷۳، ۷۶، ۷۵، ۷۴، ۸۱، ۷۱، ۸۳ و ۷۵ درصد گزارش شده است (نادیا، روبن^۸ و همکاران، ۲۰۱۵)، در این تحقیق پایایی به وسیله آلفا کرونباخ برآورد شد که برای کل پرسشنامه ۹۴ درصد و برای کل مقیاس‌های باورهای فردی شخصیت ۹۵ درصد و برای هر خرده‌مقیاس این پرسشنامه به

تحریف شده، گمانه‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند (پاسکال، کریستین و جین^۱، ۲۰۱۵). طرح‌واره‌ها به واسطه ارتباط و تأثیری که بر سبک دلبستگی، اختلالات شخصیت و اختلال‌های خلقی می‌گذارند (یانگ^۲، ۲۰۰۶) می‌توانند تأثیر غیرمستقیم بر روابط زناشویی داشته باشند. یانگ معتقد است طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در افراد عادی هم وجود دارد، اما در جمعیت بالینی شکل اغراق‌آمیز و افراطی به خود می‌گیرد. طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، خود را از طریق تحریف شناختی، الگوهای خودآسیب‌رسان و سبک‌های مقابله‌ای جاودانه می‌سازند و به طور مستقیم یا غیرمستقیم به پریشانی روان‌شناختی، سبک و اختلالات شخصیت منجر می‌شوند (تایمی^۳، ۲۰۱۰). هر چه حضور طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه افزایش یابد، رضایت و صمیمیت زناشویی کاهش می‌یابد (استیلز^۴، ۲۰۰۴؛ اندوز و حمیدپور، ۱۳۸۵؛ ذوالفقاری، فاتحی، و عابدی، ۱۳۸۷؛ یوسفی، عابدین، تیرگری و فتح‌آبادی، ۱۳۸۹). یانگ (۲۰۰۳) در پژوهشی دریافت که علاوه بر طرح‌واره‌های اولیه که زوج‌ها به روابط زناشویی می‌آورند، در روابط فعلی نیز طرح‌واره‌هایی شکل می‌گیرد و چنانچه در روابط دو نفره نیازهای طرح‌واره اولیه برآورده نشود و یا با طرح‌واره‌های فعلی ناهماهنگ باشد، موجب ناسازگاری و در نتیجه باعث جدایی و طلاق خواهد شد. این پژوهش نیز در راستای همین اهداف به بررسی نقش متغیرهای روانی-اجتماعی و جنسی پیش‌بین تمایل به طلاق به اجرا درآمده است. فرضیه کلی پژوهش نیز به این شرح است: بین باورهای فردی شخصیت، شدت نیازهای اساسی، باورهای ارتباطی زناشویی، تله‌های زندگی، سبک دلبستگی و آگاهی جنسی با تمایل به طلاق در بین زوج‌های متقاضی طلاق رابطه ترکیبی (چندگانه) وجود دارد.

روش

روش، نمونه و جامعه آماری: جامعه آماری پژوهش را زوج‌های متقاضی طلاق شهر اصفهان در زمستان ۹۶ که از طریق دفاتر ۸ گانه خدمات الکترونیکی قضایی به ۳۳ مرکز

1. Pascal, Christine & Jean

3. Thimm

5. Personality Belief Questionnaire - Short Form

7. Colombia

2. Young

4. Stiles

6. PBQ (AVO, DEP,PAS, OBS, AN, NAR, HIS, SCH, PAR, BOR)

8. Nadia Semenova Moratto Vasquez & Ruben,D,M,H

رتیب ۶۰، ۷۰، ۶۲، ۷۱، ۷۹، ۷۰، ۸۲، ۶۲، ۷۵ و ۷۰ درصد محاسبه گردید. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است: مشاهده هرگونه کم‌کاری، اشتباه و یا نقصی در کارها، غیر قابل تحمل است.

پرسشنامه نیازهای اساسی^۱: ویلیام گلاسر پنج نیاز اساسی را در انسان‌ها مورد مطالعه قرار داد که گنجایش هرکدام در انسان‌ها ممکن است متفاوت باشد. پنج نیاز اساس عبارت‌اند از: نیاز به بقا، نیاز به عشق، نیاز به آزادی، نیاز به قدرت و پیشرفت و نیاز به تفریح. این پرسشنامه به‌طور اولیه توسط صاحبی، نماینده مؤسسه ویلیام گلاسر در ایران، طراحی شده است. این پرسشنامه از ۳۵ سؤال تشکیل شده است، به‌طوری‌که هر یک از نیازهای اساسی پنج‌گانه (S, L, FR, P, FU)، ۷ سؤال را در برمی‌گیرد. هر یک از گزینه‌ها به‌صورت لیکرت ۵ درجه‌ای (۱ بسیار کم، ۲ کم، ۳ متوسط، ۴ زیاد، ۵ بسیار زیاد) نمره‌گذاری می‌شود (صاحبی ۱۳۹۰). پایایی این پرسشنامه برای جمعیت مردان، به شیوه آلفای کرونباخ ۹۰ درصد و به شیوه دونیمه‌سازی ۸۳ درصد و برای زنان به روش آلفای کرونباخ ۷۸ درصد و به شیوه دونیمه‌سازی ۶۵ درصد محاسبه شده است (وزیری، ۱۳۹۴). پایایی پرسشنامه نیز به‌وسیله محقق با استفاده از آلفای کرونباخ ۹۰ درصد و برای خرده‌مقیاس‌های بقا ۶۴ درصد، عشق و محبت ۸۱ درصد، آزادی و پیشرفت ۷۴ درصد، قدرت ۷۱ درصد و لذت و تفریح ۸۲ درصد به دست آمد. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است: احساس می‌کنید چه میزان عشق، صمیمیت و مهرورزی نیاز دارید؟

پرسشنامه تله‌های زندگی^۲: پرسشنامه تله‌های زندگی توسط جفری یانگ^۳ (۱۹۹۴) با هدف سنجش تله‌های زندگی مربوط به عدم امنیت یا سلامتی در زندگی خانوادگی طراحی شده است. این پرسشنامه دارای ۲۲ سؤال که ۱۱ تله زندگی را که افراد گرفتار هستند بر روی یک مقیاس ۶ درجه‌ای می‌سنجد. پایایی آن توسط محقق با استفاده از آلفای کرونباخ ۸۹ درصد به دست آمد. یک نمونه از سؤالات این پرسشنامه به این شرح است: احساس می‌کنم نباید از قوانین و قراردادهایی که دیگران تابع آن‌ها هستند، اطاعت کنم.

روش اجرا و تحلیل داده‌ها

بعد از هماهنگی‌های لازم با دادگستری و دفاتر ۸ گانه خدمات الکترونیکی قضایی به‌صورت سرشماری هر ۳۳ مرکز روان‌شناسی و مشاوره طرف قرار داد با دادگستری انتخاب شد. پیش از اجرای پرسشنامه توضیحات و اطلاعات لازم درباره موضوع و هدف پژوهش از طریق دادگستری به‌صورت کتبی و محقق به‌صورت شفاهی تا جایی که در نتایج پژوهش تأثیرگذار نباشد به مسئولین فنی مراکز روان‌شناسی داده شد و سپس بر اساس معیارهای ورود و خروج به پژوهش متقاضیان زن و مرد با در نظر گرفتن علاقه‌مندی و مختار بودن و همچنین بدون قید نام در تکمیل پرسشنامه‌ها اقدام کردند. پرسشنامه‌ها در دو روز پی‌درپی توزیع و پس از گذشت یک ماه دوباره در دو روز پیاپی جمع‌آوری شد. در تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیت‌شناختی از آمار توصیفی و در تحلیل رابطه داده‌ها از تحلیل رگرسیون همزمان، تحلیل مسیر و نرم‌افزار SPSS²² استفاده شد.

یافته‌ها

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در جدول ۱ بیان شده‌اند.

1. Basic Needs Questionnaire (BNQ)
3. Young

2. lifetraps Inventory
4. Divorce Desire Questionnaire

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد پژوهش (۳۲۹ نفر)

درصد	تعداد		
۴۵/۹	۱۵۱	مرد	جنس
۵۴/۱	۱۷۸	زن	
۲۳	۷۵	فامیل	فامیل
۷۷	۲۵۴	غیر فامیل	
۲/۷۳	۹	ابتدایی	تحصیلات
۱۵/۱۹	۵۰	سیکل	
۳۹/۵۰	۱۳۰	دیپلم	
۳۵/۳۰	۱۱۶	فوق‌دیپلم و لیسانس	
۷/۲۹	۲۴	فوق‌لیسانس و دکترا	
۵/۸	۲۸	خیلی بد	وضع اقتصادی
۸/۱۲	۴۲	بد	
۴/۵۷	۱۸۹	متوسط	
۸/۱۹	۶۵	خوب	
۵/۱	۵	خیلی خوب	
۴۰/۸	۱۳۴	۲ تا ۵	زندگی مشترک به سال
۲۰/۸	۶۸	۶ تا ۱۰	
۱۶/۱	۵۳	۱۱ تا ۱۵	
۷/۲	۲۴	۱۶ تا ۲۰	
۱۱/۷	۳۹	۲۱ تا ۳۰	
۳/۳	۱۱	۳۱ تا ۴۵	
۶/۷	۲۲	۱۵ تا ۲۰	سن
۳۷/۴	۱۲۳	۲۱ تا ۳۰	
۳۲/۲	۱۰۶	۳۱ تا ۴۰	
۱۸/۵	۶۱	۴۱ تا ۵۰	
۴/۶	۱۵	۵۱ تا ۶۰	
۱/۶	۲	۶۱ تا ۷۰	
۲۸/۶	۹۴	اول	ترتیب تولد
۲۰/۷	۶۸	دوم	
۲۰/۱	۶۶	سوم	
۱۴	۴۶	چهارم	
۹/۱	۳۰	پنجم	
۴/۳	۱۴	ششم	
۳/۳	۱۱	هفتم تا یازدهم	

نتایج جدول ۱، ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نشان داد تعداد نمونه متشکل از ۳۲۹ نفر ۴۵/۹ درصد مرد و ۵۴/۱ درصد زن، بیشترین افراد به ترتیب دارای مدرک تحصیلی دیپلم ۳۹/۵۰ درصد، فوق‌دیپلم و لیسانس ۳۵/۳۰ درصد، سیکل ۱۵/۲ درصد، فوق‌لیسانس و دکترا ۷/۲۹ درصد و ۳ درصد دارای مدرک تحصیلی سیکل بودند و

ناسازگار اولیه) از رگرسیون همزمان استفاده شد. در این روش همه متغیرها به‌طور همزمان وارد الگو می‌شوند و میزان تأثیر پیشگویانه هرکدام از آن‌ها بر متغیر وابسته (تمایل به طلاق) و نیز سطح معناداری آن‌ها مشخص می‌شود. در جدول ۲ به فرضیه کلی پژوهش که بین باورهای فردی شخصیت، شدت نیازهای اساسی، باورهای ارتباطی زناشویی، تله‌های زندگی، سبک دلبستگی و آگاهی جنسی با تمایل به طلاق در بین زوج‌های متقاضی طلاق رابطه ترکیبی (چندگانه) وجود دارد، می‌پردازد.

از نظر سن بیشترین درصد را به ترتیب ۲۱ تا ۳۰ سال، ۳۱ تا ۴۰ سال، ۴۱ تا ۵۰ سال و الی آخر به خود اختصاص داده است. همچنین از نظر مدت زمان زندگی مشترک بین ۲ تا ۵ سال با ۴۰/۸ درصد سپس ۶ تا ۱۰ سال، ۱۱ تا ۱۵ سال، ۲۱ تا ۳۰، ۱۶ تا ۲۰ و در نهایت ۳۱ تا ۴۵ سال با ۳/۳ درصد زمان زندگی مشترک را نشان داد. همچنین نزدیک به ۷۰ درصد متقاضیان طلاق، فرزند اول تا سوم خانواده بوده‌اند. در مجموع ۲۲/۸ درصد فامیل و ۷۷/۲ درصد غیر فامیل بودند. به‌منظور پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، شدت نیازها و تله زندگی (طرح‌واره‌های

جدول ۲. پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، شدت نیازها و تله‌های زندگی

متغیر پیش‌بینی‌کننده	متغیر ملاک	t	سطح معناداری	R ²
باورهای فردی شخصیت زوج نمایشی	HIS	-۱/۹۴۴	/۰۴۰	۶۱/۵
شدت سازگاری نیاز به بازی و تفریح	FUN	-۲/۱۱۳	/۰۳۵	
تله یا طرح‌واره استحقاق و بزرگ‌منشی	EG	-۲/۰۳۳	/۰۴۳	

را که بیان می‌کرد بین باورهای فردی شخصیت، شدت سازگاری نیازهای اساسی، باورهای ارتباطی زناشویی، تله‌های زندگی، سبک‌های دلبستگی و آگاهی جنسی با تمایل به طلاق در بین زوج‌های متقاضی طلاق رابطه ترکیبی (چندگانه) وجود دارد، مورد تأیید قرار داد. این یافته با نتایج پژوهش چاپ‌نشده نقش باورهای فردی شخصیت و اختلالات شخصیت در زوج‌های متقاضی طلاق (رحیمی، ۱۳۹۵) هماهنگ است. با مرور پیشینه پژوهش، تحقیقی در زمینه باورهای فردی یا شخصی شخصیت نه در متقاضیان طلاق و نه سایر افراد یافت نشد و یا محقق موفق به آن نشده است و بیشتر تحقیقات روی ویژگی‌های شخصیت و بر مبنای مقیاس کاستا و مک‌کری یا به عبارتی پرسشنامه شخصیتی پنج‌عاملی نئو (NEO) که روان‌رنجوری، برون‌گرایی، بازبودن، توافق‌پذیری و وجدانی بودن^۱ را می‌سنجد، صورت گرفته بود و تعدادی پژوهش بر روی یک یا تعدادی از اختلالات شخصیت انجام شد که در راستای خواسته و هدف پژوهشگر نبود. با این وصف مؤلفه‌هایی که

نتایج جدول ۲ نشان می‌دهد که متغیرهای باورهای فردی شخصیت زوج نمایشی ($P= ۰/۰۴۰$)، شدت نیاز به لذت و تفریح ($P= ۰/۰۳۵$) و طرح‌واره استحقاق و بزرگ‌منشی ($P= ۰/۰۴۳$) پیش‌بینی‌کننده تمایل به طلاق بوده و توانسته‌اند ۶۱/۵ درصد از واریانس این بُعد از طلاق را تبیین کنند. بنابراین فرضیه کلی پژوهش که بین باورهای فردی شخصیت، شدت نیازهای اساسی، باورهای ارتباطی زناشویی، تله‌های زندگی، سبک دلبستگی و آگاهی جنسی با تمایل به طلاق در بین زوج‌های متقاضی طلاق رابطه ترکیبی (چندگانه) وجود دارد، تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر، پیش‌بینی تمایل به طلاق بر اساس باورهای فردی شخصیت، شدت سازگاری نیازها و تله‌های زندگی بود. نتایج کلی نشان داد که از میان باورهای فردی شخصیت خرده‌مقیاس باورهای فردی شخصیت نمایشی پیش‌بین تمایل به طلاق بود و این یافته فرضیه کلی پژوهش

1. Neuroticism, Extraversion, Openness, Agreeableness, Conscientiousness

طرح‌واره‌ها در مسیر زندگی تداوم دارند و بر چگونگی رابطه فرد با خود و دیگران (به‌ویژه همسر) اثر می‌گذارند (منزری^۶، ۲۰۱۴). از آنجا که طرح‌واره‌ها ناکارآمد هستند، باعث ناخشنودی در روابط زناشویی می‌شوند و زمینه را برای جدایی و طلاق فراهم می‌کنند. این تبیین با یافته‌های پژوهش (پورعباس^۷، ۲۰۱۶)، (حاتمی و فدایی^۸، ۲۰۱۵)، (جعفری نوشن، زارع، حسینی، پورصالحی و زینی^۹، ۲۰۱۵)، (منظری، مکوندی، و خواجه‌وند خوشلی، ۲۰۱۴)، (دامترسکیو و روسو، ۲۰۱۲)، (همامسی، ۲۰۰۵)، (استایلز، ۲۰۰۴)، (یوسفی و همکاران، ۲۰۱۰) (بک و راش، ۱۹۶۸)، (یانگ، ۱۹۹۰)، (یانگ، ۲۰۰۷)، (مالوفیوا، دی، ساکو، یانگ و سیانچویو، ۲۰۱۰)، (کوپر، ۲۰۱۱)، (پاسکال، کریستین و جین، ۲۰۱۵)، (بک، آرتمی، بمپوراد و امری، ۱۹۸۵) و (مرادی و یوسفی، ۱۳۹۲) هماهنگ است. از نگاه دیگر، طرح‌واره‌ها می‌تواند باعث آسیب روانی فرد شود، بنابراین طرح‌واره‌ها می‌تواند به‌عنوان هسته اولیه و اصلی اختلال‌های شخصیت و یا در طیف ضعیف آن سبک شخصیت را رقم بزنند و موجب بسیاری از اختلال‌های محور ۱ و ۲ در میان همسران شوند، چون طرح‌واره‌ها مخل زندگی سالم هستند، برای بقای خودشان می‌جنگند و نقش عمده‌ای در تفکر، احساس و رفتار و نحوه برقراری ارتباط با دیگران دارند، به همین خاطر تلاش همسران برای حفظ طرح‌واره خود موجب بروز کشمکش و تعارض‌ها شده و بستر لازم را برای طلاق و جدایی آماده می‌کند (سگال، ۱۹۹۰، یانگ، ۱۹۹۰، جیل، ۲۰۰۸، بوچارد، ساربورین، لوسیر، رایت و ریچر، ۱۹۹۹، امان‌الهی، ۱۳۸۴، شکرکن، خجسته‌مهر و عطاری، ۱۳۸۴، بال و سیرو، ۲۰۰۱).

با توجه به نتایج پژوهش حاضر پیشنهاد می‌شود که برای ارتقا سطح روابط بین فردی زوج‌ها و نیز برای پیشگیری از آسیب‌های احتمالی، خودشناسی و آگاه نمودن افراد (زوج‌ها) نسبت به باورهای فردی شخصیت آموزش داده شود و به روان‌شناسان حوزه خانواده و ازدواج توصیه می‌شود در فرایند مداخلات و مشاوره پیش از ازدواج بحث سبک و

در پرسشنامه شخصیت نئو مورد سنجش قرار می‌گیرد هرکدام می‌تواند به‌نوعی در باورهای فردی شخصیت ده‌گانه مورد این پژوهش نیز وجود داشته باشد، با پذیرش این پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت یافته‌های این بخش از تحقیق با نتیجه تحقیقات (فاتحی‌زاده، ۱۳۹۰)، (مک نیل، کاسگن و کولمن ۲۰۰۳، به نقل از کاستالدو، ۲۰۰۸)، (توماس، ۱۹۸۲، به نقل از رایس و رایس^۱، ۱۹۸۶)، (بون^۲، ۲۰۱۱)، (شکرکن و همکاران، ۱۳۸۵)، (سومر^۳، ۲۰۰۲)، (اسماعیلیان و همکاران، ۱۳۹۵)، (دوروس، هانزال، و سگریان^۴، ۲۰۱۱)، (پرونچر، بیگن، گیروارد، ترامبلی، بوون و لکسیوکس^۵، ۲۰۰۸) تقریباً همخوانی نزدیکی با باورهای فردی شخصیت دارد.

بنابراین می‌توان گفت یکی از موضوعاتی که در بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده طلاق در بین زوج‌ها مورد غفلت قرار گرفته است چنانچه در بالا نیز به آن اشاره شد و به‌صورت واضح به آن پرداخته نشده است بحث باورهای فردی شخصیت است که در تعاملات زوج‌ها با هم آشکار گردیده و رفتارهای زوجین بر اساس این باورهای فردی شخصیت پایدار و الگوی رفتار زوج‌ها را معرفی می‌کند، بنابراین در مداخلات کاهش تمایل به طلاق و تعارض زوج‌ها، پرداختن به سبک و اسلوب باورهای فردی شخصیت و آگاه‌سازی آن‌ها به این باورهای بنیادین نحوی تعامل و الگوی رفتاری آن‌ها را انعطاف‌پذیر ساخته و پذیرش رفتار طرف مقابل را فراهم می‌کند و به این ترتیب باعث کاهش تعارضات زوج‌ها و در نتیجه کاهش تمایل به طلاق را در برخواهد داشت.

نتایج این پژوهش نشان داد که از میان تله‌های زندگی یا طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه خرده‌مقیاس استحقاق پیش‌بین تمایل به طلاق بود، در تبیین این یافته می‌توان گفت که طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه موجب سوگیری‌هایی در تفسیر رویدادها می‌شوند. این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی به‌صورت سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، فرض‌های نادرست، هدف‌ها و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه در همسران پدید می‌آیند و این سوءبرداشت‌ها بر ادراکات و ارزیابی‌های بعدی (زندگی مشترک) تأثیر می‌گذارد؛ زیرا

1. Rice & Rice
3. Sommer
5. Provencher, Begin, Girouard, Tremblay, Boivin, & Lemieux
7. Pour Abbas
9. Jafari Nadoshan, Zare, Hoseini, Poor Salehi & Zini

2. Boon
4. Dorros, Hanzal & Segrina
6. Manzari
8. Hatammii & Fadayi

ذوالفقاری، م.، فاتحی‌زاده، م.، عابدی، م. (۱۳۸۷). تعیین رابطه بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه با ابعاد صمیمیت زناشویی زوجین، فصلنامه خانواده‌پژوهشی، ۳(۴)، ۲۴۷-۲۶۱.

شکرکن، ح.؛ و همکاران. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های شخصیتی، مهارت‌های اجتماعی، سبک‌های دلبستگی و ویژگی‌های جمعیت شناختی به‌عنوان پیش‌بینی‌های موفقیت و شکست رابطه زناشویی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی در شهر اهواز. *مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز*. ۳(۱۳)، سال ۱۳۸۵، ۱-۳۰.

فاتحی‌زاده، م.؛ بلالی، ط.؛ اعتمادی، ع. (۱۳۹۰). بررسی رابطه عوامل روان‌شناختی و جمعیت‌شناختی پیش‌بینی‌کننده سازگاری پس از طلاق در زنان مطلقه شهر اصفهان. تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان.

گلاسر، و.؛ گلسر، ک. (۱۳۹۰). ازدواج بدون شکست، ترجمه صاحبی، ع. تهران: انتشارات فرا انگیزش.

مرادی، ا.؛ یوسفی، ن. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین پنج عامل شخصیتی و کیفیت زندگی در زوج‌های در آستانه طلاق شهرستان سنندج. فصلنامه شخصیت و تفاوت‌های فردی، ۲(۳). تابستان ۱۳۹۲، ۱۲۱-۱۳۷.

میرزازاده، ف.؛ خدابخش، الف.، فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۱). تأثیر درمان هیجان‌مدار بر سازگاری پس از طلاق در زنان. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، ۱(۴)، ۱۳۹۲، ۴۴۱-۴۶۰.

هالفورد، ک. (۱۳۸۷). زوج‌درمانی کوتاه‌مدت (یاری به زوجین برای کمک به خودشان). ترجمه مصطفی ت و همکاران. تهران: انتشارات فراروان.

یوسفی، ر.، عابدین، ع.، تیرگری، ع.، فتح‌آبادی، ج. (۱۳۸۹). اثربخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرح‌واره‌ها در ارتقای رضایت زناشویی، *مجله روان‌شناسی بالینی*، ۲(۳)، ۱۳۸۹، ۳۸-۲۵.

Baker, J., Parks-Savage, A., &Rehfuss, M. (2014). Teaching social skills in a virtual environment: An exploratory study. *The Journal for Specialists in Group Work*, 34(3), 209-226.

Ball, S., & Cecero, J. (2001). Addicted patients with personality disorders: Traits, schemas, and presenting problems. *Journal of Personality Disorders*, 15, 72-83.

Beck, A. T., & Emery, G. (1985). *Anxiety disorders and phobias: A cognitive perspective*. New York: Basic Books.

Beck, A. T., & Rush, A. (1968). *Cognitive therapy of depression*. New York: Guilford Press.

Beck, A. T., Freeman, A., Davis, D. D., & associates (2015). *Cognitive therapy of personality disorders* (2nd edn). New York: Guilford Press.

اسلوب شخصیت را جدی بگیرند. توصیه می‌شود در بررسی همخوانی‌های مشاوره قبل از ازدواج، سبک شخصیتی افراد احصا و بر اساس آن آموزش‌های لازم صورت گیرد. در پایان باید توجه داشت که این پژوهش همانند هر پژوهش دیگری با محدودیت و چالش‌هایی روبه‌رو بوده است. چالش و محدودیت اول این بود که مراجعان طلاق تصمیم نهایی خود را برای جدایی و متارکه گرفته و حتی اقدام به این کار نموده‌اند، بدیهی است این مسئله خود، پیامدهایی را در ارتباط و همکاری در بر خواهد داشت. چالش و محدودیت دوم اینکه به دلیل خاص بودن متقاضیان طلاق باید در بررسی‌ها تمام ابعاد مسئله مد نظر قرار گرفته شود به همین خاطر ممکن است وقت زیادی را برای پاسخ به پرسشنامه‌ها اختصاص داد که این از حوصله متقاضیان به دور است. چالش بعدی این بود که به دلیل اینکه طلاق به یک مسئله اجتماعی تبدیل شده و به همین لحاظ از ابتدا تا انتهای فرایند طلاق، زوج‌ها با سؤالات و بررسی‌های مختلفی روبه‌رو می‌شوند که این باعث خستگی و حتی دلزدگی آن‌ها از همکاری با پژوهشگران می‌شد.

منابع

اسماعیلیان، ن.؛ و همکاران. (۱۳۹۵). ویژگی‌های شخصیتی، طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه و کارکرد خانواده در زوجین متقاضی و غیر متقاضی طلاق. رساله دکتری روان‌شناسی، تهران دانشگاه شهید بهشتی.

امان‌الهفرد، ع.؛ عطاری، ی. (۱۳۸۴). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی- خانوادگی با رضایت زناشویی در کارکنان دولتی شهر اهواز. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

اندوز، ز.، حمیدپور، ح. (۱۳۸۵). بررسی بین طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، سبک دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین. دانشگاه شهید بهشتی، خلاصه مقالات دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ۱۶۵. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

آسمند، پ.، امامی، ش.، ولیزاده، ر. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی رفتاردرمانی دیالکتیکی در درمان باورهای غیرمنطقی و اضطراب جوانان دارای اختلال شخصیت ضداجتماعی زندان مریوان ایلام. *مجله علوم پزشکی*، ۱(۲۳)، سال ۱-۱۳۹۴، ۴۴-۳۵.

- Boon, C. (2011). *Women after divorce: Exploring the psychology of resilience*. (Unpublished Dissertation, University of South)
- Bouchard, G., Sabourin, S., Lussier, Y., Wright, J., & Richer, B. (1999). *Predict of divorce*. New York: Basic Books.
- Bradbury, T. N. (1995). Assessing the four fundamental domains of marriage. *Family Relations, 44*, 459-468.
- Castaldo, D (2008). *Divorced, without children*. Routledge press. New York-London(pp13-14).
- Clifton, D. (2011). 'Minding up' with Choice Theory in a rapidly changing 21st Century. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy, 30(2)*, 17-22. Cornelius,
- Cooper, C. (2011). *Men and divorce*. In G. R. Books & G. E. Good (Eds.), *The new handbook of psychotherapy and counseling with comprehensive guide to setting, problems, and treatment approaches* (pp.335-352). California: Jossey-Francisco.
- Costa, P. T., McCrae, R. R. (1992). *Neopi-r professional manual*. Odessa, Fl: Psychological Assessment Resources, Inc.
- Diagnostic and Statistical Manual of Psychiatric Disorders*. (2014). American Psychiatric Association
- Donnellan, M., Conger, R., Bryant, C. (2004). The big five and enduring marriages. *J Res Pers, 38*, 481-504.
- Dorros, S., Hanzal A., & Segrina, C. (2011). The big five personality traits and perceptions of touch to intimate and non-intimate body regions. *Journal of Research in Personality, 42*, 1067-1073.
- Dumitrescu, D., & Rusu, A. S. (2012). Relationship between early maladaptive schemas, Couple satisfaction and individual mate value: An evolutionary psychological approach. *Journal of evidence – based psychotherapies, 12(1)*, 63-70
- Erwin, J. C. (2014). *Giving students what they need*. Educational Leadership, 61, 19-23.
- Filsinger, E., & Wilson, M. (1983). Social anxiety and marital adjustment. *Journal of Family Relation, 83*, 513-519.
- Gilliam, A. (2004). *The efficacy of William Glasser reality/ choice theory with domestic violence perpetrators A treatment outcome study*. Unpublished doctoral dissertation: Walden University.
- Glasser, W. (2000a). Couple/family therapy workshop. Paper presented at the *Evolution of Psychotherapy Conference, Anaheim, CA*.
- Glasser, W. (2000b). *School violence from the perspective of William Glasser*. Professional School Counseling, 4, 77-80.
- Glasser, W. (2012). Promoting client strength through positive addiction. *Canadian Journal of Counselling and Psychotherapy/Revue canadienne de counseling et de psychothérapie, 11(4)*.
- Glasser, W., & Glasser, C. (2000). *Getting together and staying together: solving the Mystery of Marriage*. New York: HarperCollins.
- Glasser, W., & Breggin, P. R. (2001). *Counseling with choice theory*. New York: Quill.
- Gottman, J. M. (1999). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. New York: W.W. Norton & Company.
- Hamamci, Z. (2005). Dysfunctional relationship beliefs in marital satisfaction and adjustment. *Journal of Social Behavior and Personality, 33*, 313-328.
- Hatammii, M., & Fadayi, M. (2015). Effectiveness of Schema Therapy in Intimacy, Marital Conflict and Early Maladaptive Schemas of Women Suing for Divorce. *International Journal of Advanced Biological and Biomedical Research, 3(3)*, 285-290.
- Jafari Nadoshan, A., Zare, H., Hoseini, A., Poor Salehi, M., & Zini, M. (2015). Evaluation and comparison of the divorced women mental health and compliance and cognitive emotion regulation with married women in Yazd city. *Journal of Women and Society, 6(2)*, 1-16.
- Jill, L., Michiel, F., & Vreeswijk, A . (2008). An empirical test of schema mode conceptualizations in personality disorders. *Behaviour Research and Therapy, 46*, 854- 863.
- Luo, S., Klohnen, E. C. (2005). Assortative mating and marital quality in newlyweds: a couple-centered approach. *J Pers Soc Psychol, 88(2)*, 304-26.
- Malofeeva, E., Day, J., Saco, X., Young, L., & Ciancio, D. (2010). Construction and evaluation of a number sense test with Head Start children. *Journal of Educational Psychology, 96*, 648-659.
- Manzary, L., Makvandi, B., & Khajevand Khoshli, A. (2014). Comparison between Maladaptive Schemas, Marital Conflicts and Sexual Satisfaction in Nearly-Divorced, Divorced and Normal Individuals. *Journal of Psychology & behavioral studies, 2(1)*, 39-49.
- Nadia, S.M.V; Ruben, D.M.H . (2015). Psychometric Properties and Structural Validity of the Short Version of the *Personality Beliefs Questionnaire (PBQ-SF)*. *International Journal of Psychological Research, 8 (2)*, PP. 49 - 60
- Nelson, T. G. (summer 2012). *Teacher Education Quarterly*. An Interview with William Glasser, M.D 93-98
- Onedera, J. D., & Greenwalt, B. (January 2014). Choice Theory: An Interview with Dr. William Glasser. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families, 15(1)*, 79-86.
- Pascal, A., Christine, A., & Jean, L. (2015). Development and validation of the Cognitive Inventory of Subjective Distress . *International Journal of Geriatric Psychiatry, 23*, 1175-1182 .
- Perkins, E. (2012). Choice Theory and Blame versus Responsibility. *International Journal of Choice Theory and Reality Therapy, 31(2)*, 10-12.
- Pour Abbas, S. (2016). Investigating the relationship between the early maladaptive schema& marital satisfaction among 25 to 45 years-old couples. *International Journal of Humanities and Cultural Studies, Special Issue, 665-676*.
- Provencher, V. C., Begin, M. P. G., Girouard, A., Tremblay, S., Boivin, S., & Lemieux, S. (2008). Personality traits in overweight and obese women:

- Associations with BMI and eating behaviors. *Eating Behaviors*, 9(3), 294-302.
- Rice, J. K., & Rice, D. G. (1986). Living Through Divorce. *Guilford press. New York.* (pp21-25)
- Robbins, L. (2005). Choice theory, reality therapy, and lead management. Presentation in *Nashville, TN.*
- Robey, P., Burdenski, T. K., Britzman, M., Crowell, J., & Cisse, G. S. (2014). Systemic Applications of Choice Theory and Reality Therapy: An Interview with Glasser Scholars. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 19(4), 427-433 .
- Segal, Z. V. (1990). Appraisal of the self-schema. *Psychological Bulletin*, 103, 147-162.
- Stiles, O. E. (2004). *Early maladaptive schemas and intimacy in young adult's romantic relationships.* Unpublished doctoral dissertation, Alliant International University, San Francisco.
- Thimm, J. C. (2010) .Mediation of early maladaptive schemas between perceptions of parental rearing style and personality disorder symptoms. *J. Behav Ther and Exp Psychiat. Vol: 41: pp. 52-59.*
- Wubbolding, R., Brickell, J., Imhof, L., Kim, R. I., Lojk, L., & Al-Rashidi, B. (2004). Reality therapy: A global perspective. *International Journal for the Advancement of Counseling*, 26, 219-228.
- Young JE. (2003). *Schema therapy.* New York: Guilford. (pp:123-218)
- Young, J. E. (1990). Cognitive therapy for personality disorders: A schema-facused approach . New York: Professional Resource Exchang, Inc.
- Young, J. E. (2006). Cognitive therapy for personality disorders: A schema-facused approach . New York: *Professional Resource Exchang, Inc.*
- Young, J. E. (2007). *The relationship between appearance schemas, self-esteem, and indirect aggression among college women .* Doctoral thesis. Oklahoma State University.
- Young, J. E., & Klosko, J. (1994). *Reinventing your life.* New York: Dutton Books.
- Young, M, E; Long, L. L. (1998). *Counseling and Therapy for Couples,* Brook/Cole Publishhng Company.
- Yousefi, N; Etemadi, O; Bahrami, F; Ahmadi, A & Fatehi zadeh, M (2010). Comparing early maladaptive schemas among divorced and non divorced couples as predictors of divorce. *Iranian Journal psychiatric & clinical psychology*, 16(1): 21-33. [Persian]